

اثر بخشی موسیقی درمانی بر تقویت حافظه‌ی شنیداری کودکان دیرآموز

دکتر مجید ابراهیم پور^۱، طاهره ساجدی راد^۲^۱ دکتری روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاینات، ایمیل: ajid_grave@yahoo.com^۲ کارشناس ارشد روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاینات، ایمیل: ts_6370@yahoo.com

چکیده

هدف: در واقع امروزه آموزش موسیقی در دهه‌های اخیر به‌منزله راهبردی مؤثر برای افزایش توانمندی‌های ارتباطی، شناختی و عاطفی کودکان به‌کاربرده شده است؛ همچنین در عصر حاضر تأثیر شگفت‌انگیز موسیقی در رفتار و شناخت انسان بسیار مورد توجه بوده است که در زمینه‌های مختلف یادگیری نقش مهمی دارند. بنابراین پژوهش‌ها به نحوی سعی در یافتن راهکارهایی برای بهبود عملکرد شناختی دارند و با توجه به رواج موسیقی در جوامع امروز و قابلیت تأثیر موسیقی در جنبه‌های مختلف شناختی از جمله مهارت‌های خواندن، مهارت ریاضی، یادگیری، حافظه شنیداری، دیداری و غیره در مطالعه حاضر تأثیر موسیقی بر حافظه شنیداری کودکان دیرآموز شهر قاین بررسی می‌گردد.

روش: این پژوهش یک پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه گواه بود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵). جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دیرآموز مدارس سطح شهر قاین که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ به عنوان دیرآموز در حافظه شنیداری معرفی شدند، می‌باشد. در این پژوهش، ۳۰ دانش‌آموز (۱۵ دانش‌آموز دختر و ۱۵ دانش‌آموز پسر) دیرآموز در حافظه شنیداری به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با توجه به نمرات هوش و سن آنان هم‌تاسازی شدند. در این پژوهش از آزمون‌های ضرب آهنگی استامباک استفاده شده که به بررسی چگونگی مشکلات ضرب آهنگی در کودکان نارساخوان می‌پردازد. برای بررسی سوالات پژوهش، از تحلیل کوواریانس (مانوا) استفاده شده است.

یافته‌ها: موسیقی درمانی بر بهبود حافظه شنیداری دانش‌آموزان دیرآموز در مرحله پس‌آزمون اثر بخش بوده است. و باعث بهبود حافظه شنیداری در بین دانش‌آموزان دیرآموز شده است.

نتیجه‌گیری: گوش دادن فرایند پیچیده و فعالی است که شامل توجه، شنیدن، انتخاب و سازماندهی اطلاعات، تفسیر، پاسخدهی و به یاد آوردن است. شنیدن فرایندی زیست‌شناختی است و وقتی اتفاق می‌افتد که امواج صوتی به پرده گوش اصابت میکند (وود؛ ترجمه ی فیروز بخت، ۱۳۷۹). حس شنوایی بیشتر از حواس دیگر نسبت به محرک‌های وابسته ی خود عکس

العمل نشان میدهد (دزفولیان، ۱۳۸۶) بنابراین رشد مهارت‌های پایه‌ای شنوایی و شناختی تأثیرپذیری زیادی از محیط شنیداری اطراف ما دارد.

کلید واژه: موسیقی درمانی، حافظه شنیداری، کودکان دیرآموز

مقدمه

در یونان قدیم ارتباط نزدیکی بین موسیقی و شفا وجود داشت. این همبستگی به یکی از خدایان یونان «آپولو» شخصیت و شکل داده است. آپولو هم خدای موسیقی و هم خدای طب بود. یونانیان معتقد بودند که امراض نتیجه عدم هارمونی در وجود فرد است و موسیقی با قدرت روحی و اخلاقی خود می‌تواند با برگرداندن هارمونی و نظم در بدن سلامتی را برای فرد مورد استفاده به ارمغان آورد. پژوهش‌های انجام شده، نشان میدهد که غده تالاموس بعنوان مهمترین غده در مغز انسان محرک‌های صوتی را به وسیله سیستم‌های عصبی دریافت و در کنار حافظه و تخیل به آنها پاسخ می‌دهد. غده هیپوفیز نیز که از غده تالاموس فرمان دریافت می‌کند به محرک‌های صوتی موزون پاسخ میدهد، موجب بروز ترشحاتی میشود که نتیجه آن آزادسازی ماده آرام بخش به نام آندروفین خواهد بود. با توجه اینکه مهمترین اثر ماده مزبور، تسکین درد در انسان است به سادگی می‌توان به ارزش موسیقی درمانی که عملاً موجبات آزادسازی ماده آندروفین که علاوه بر تسکین درد، موجبات انبساط و شادی را در انسان فراهم میسازد، پی برد. تحقیقاتی که توسط کولن در سال ۱۹۹۲ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان «سنت جرج» لندن صورت گرفته، نشان می‌دهد که موسیقی به میزان قابل توجهی در تسکین و تقلیل وضعیت بحرانی بیماران که در بخش آی - سی - یو بستری بوده اند تأثیر داشته است. زیرا ثابت شده است که سیستم اعصاب انسان به محرک‌های موزیکال پاسخ مثبت می‌دهد. موسیقی درمانی یک فرایند فعال است.

کاربرد موسیقی درمانی برای کمک به افراد عقب مانده؛ با حرکات ریتمیک موزیکال میتوان مهارت در هماهنگیهای حرکتی را بهبود بخشید، اشعار آوازهای مخصوص را می‌توان نوشت که از طریق آن مراحل و روشهای مهارتهای خودیاری مثل لباس پوشیدن و مسواک زدن را یاد بگیرند و به خاطر بسپارند. موزیک تراپیست‌ها، برای اینکه برنامه‌های درمانی و روش‌های مؤثر